

۱- کدام بیت با بیت زیر، قرابت مفهومی دارد؟

(سراسری هنر - ۹۸)

هر که فانی شد ز خود مردانه‌ای است»
شایسته ذوق وصل جانان نشود
برو که هرچه مراد است در جهان داری
اگر از خویش برآیی همه‌جا همواری است
سیمرغ ما چه لایق زاغ آشیان توست
(خارج از کشور انسانی - ۹۸)

«وصلت آن کس یافت کز خود شد فنا
۱) تا دل ز غم هجر پریشان نشود
۲) به وصل دوست گرت دست می‌دهد یک دم
۳) راه عشق از خودی توست چنین پست و بلند
۴) سعدی به قدر خویش تمنای وصل کن

۲- مفهوم ابیات زیر، با همه ابیات تناسب دارد؛ به جز:

کان سوخته را جان شد و آواز نیامد
کان را که خبر شد، خبری باز نیامد»
از پی دل بشد و سوخته پر باز آمد
تا با خبری والله او پرده بنگشاید
چون ره تمام گشت، جرس بی‌زبان شود
تو مپندار که دیگر به خبر باز آمد
(سراسری ریاضی - ۹۸)

«ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز
این مدعیان در طلبش بی‌خبران‌اند
۱) بنگر ای شمع که پروانه دگر باز آمد
۲) هر چیز که می‌بینی در بی‌خبری بینی
۳) واصل ز حرف چون و چرا بسته است لب
۴) هر که را بی‌خبر افتاد ز پیمانۀ عشق

۳- همه ابیات با بیت زیر قرابت مفهومی دارد؛ به جز:

باید که به رنگ شمع از رفتن سر خندد»
عشق، نه بازی است که جان بازی است
که خلاص بی‌تو بند است و حیات بی‌تو زندان
سر هلاک‌نداری مگرد پیرامون
تا نمیری دست مهرش کوتاه از دامن مکن
(خارج از کشور - ۹۸)

«با اهل فنا دارد هر کس سر یک رنگی
۱) جان که نه عشقش بود آن بازی است
۲) اگر از کمند عشقت بروم کجا گریزم
۳) مثال عاشق و معشوق شمع و پروانه است
۴) مردن اندر کوی عشق از زندگانی خوش‌تر است

۴- همه ابیات با یکدیگر، قرابت مفهومی دارند؛ به جز:

آنکه از دست ملامت به فغان می‌آید
چو اسماعیل باید سر نهادن روز قربانی
که راه کوی شیرین را ز سر باید قدم کردن
جان در طمع لعل شکرخای تو افتاد
(سراسری تجربی - ۹۸)

۱) گو برو در پس زانوی سلامت بنشین
۲) مترس از جان‌فشانی گر طریق عشق می‌پویی
۳) زبان تیشه با فرهاد گفتا در دم رفتن
۴) دل در طلب خنده شیرین تو خون شد

۵- مفهوم بیت زیر از همه ابیات دریافت می‌شود؛ به جز:

چون عشق حرم باشد سهل است بیابان‌ها»
که تشنگان به فرات و پیادگان به حرم
هجر در راه حقیقت نکند منع وصال
هزار بادیه سهل است اگر بیمایند
عشاق نیندیشند از خار مغیلانت
(سراسری تجربی - ۹۸)

«گر در طلبت رنجی ما را برسد شاید
۱) چنان به عدل تو مشتاق بود دولت و ملک
۲) گر بود شوق حرم بعد منازل سهل است
۳) به بوی آن که شبی در حرم بیاسایند
۴) ای بادیه هجران تا عشق حرم باشد

۶- مفهوم کدام بیت با ابیات دیگر متفاوت است؟

مردن او را زندگانی گشتن است
که به دل، داغ تو را در عوض مرهم زد
که نفس سوخته در ریگ روان افتاده است
شناسی که جگر سوختگان در المنند

۱) عشق در معشوق فانی گشتن است
۲) حال دل سوخته عشق کسی می‌داند
۳) حال ما راهروان، آبله پا می‌داند
۴) غم دل با تو نگویم که تو در راحت نفس

۷- مفهوم بیت زیر از همه ابیات دریافت می شود به جز:

(خارج از کشورانسانی - ۹۸)

« نیست جانش محرم اسرار عشق
 (۱) آتش از گرمی افسانه من گوش گرفت
 (۲) پیام اهل دل است این خبر که سعدی داد
 (۳) کی به هر نامحرمی چاک جگر خواهم نمود
 (۴) پیش گل نتوان حدیث روی او گفتن

هر که را در جان، غم جانانه نیست
 گوش هر خام کجا لایق گفتار من است
 نه هر که گوش کند معنی سخن داند
 من که زخمش را نهان از چشم سوزن داشتم
 هر که گوشتی پهن سازد محرم این راز نیست

(سراسری ریاضی - ۹۸)

۸- مفهوم بیت زیر از کدام بیت، دریافت می شود؟

«از سر تعمیر دل بگذر که معماران عشق
 (۱) عافیت می طلبی رو سر خود گیر که عشق
 (۲) دل خواست تا برآید با عشق و برنیامد
 (۳) نه مرد عشق او بودی دلا گفتیم و نشنیدی
 (۴) خانه از پای بست و پیران است

روز اول، رنگ این ویرانه، ویران ریختند»
 قهرمانی است که از دار بود چو گانش
 مردانه رفته باشی با عشق اگر برایی
 طریق عشق ورزیدی و حال خویشتن دیدی
 خواجه در بند نقش ایوان است

(سراسری ریاضی - ۹۸)

۹- کدام بیت، «فاقد» مفهوم بیت زیر است؟

«یک بار هم ای عشق من از عقل میندیش
 (۱) در کارگاه عشق است تدبیر عقل بیکار
 (۲) عقل گوید که از عالم وحدت مگذر
 (۳) نقد جان بر سر سودای جنون باخته ایم
 (۴) به زور عقل گذشتن ز خود میسر نیست

بگذار که دل حل بکند مسئله ها را»
 طوفان نمی کند گوش، تعلیم ناخدا را
 که بسی دوست نما دشمن بدخواه بود
 ایمن از وسوسه عقل زیان کار شدیم
 مگر بلند شود دست و تازیانه عشق

(سراسری تجربی - ۹۸)

۱۰- کدام بیت با بیت زیر، قرابت مفهومی دارد؟

«باز آ که در هوایت خاموشی جنونم
 (۱) فریاد کز غم تو فریادرس ندارم
 (۲) کوه از سیل سرشکم در صدا آید، بلی
 (۳) اگر این داغ جگرسوز که بر جان من است
 (۴) سنگ را در ناله می آرد وداع دوستان

فریادها برانگیخت از سنگ کوهساران»
 با که نفس برآرم چون هم نفس ندارم
 گریه من سنگ را در ناله زار آورد
 بر دل کوه نهی سنگ به آواز آید
 بیستون فریادها در ماتم فرهاد کرد

(خارج از کشور - ۹۸)

۱۱- ابیات زیر با کدام بیت، قرابت مفهومی دارد؟

«ای نسخه نامه الهی که تویی
 بیرون ز تو نیست هر چه در عالم هست
 (۱) اگر امروز این عالم نبینی
 (۲) گر من در این سرای نبینم در آن سرای
 (۳) سالها دل طلب جام جم از ما می کرد
 (۴) دمی با حق نبودی چون زنی لاف شناسایی

وی آینه جمال شاهی که تویی
 در خود بطلب هر آن چه خواهی که تویی»
 در آن عالم به صد حسرت نبینی
 امروز جای خویش چه باید بصر مرا
 و آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می کرد
 تمام عمر با خود بودی و نشناختی خود را

(خارج از کشور - ۹۸)

۱۲- کدام بیت با سایر ابیات، قرابت مفهومی ندارد؟

خوش است با غم هجران دوست سعدی را
 (۱) خوش است با غم هجران دوست سعدی را
 (۲) مگر در این شب دیر انتظار عاشق کش
 (۳) مده به دست فراموشی پس از وصال چو چنگ
 (۴) همه عمر در فراق بگذشت و سهل باشد

که گرچه رنج به جان می رسد امید دواست
 به وعده های وصال تو زنده دارندم
 که مطربش بزند بعد از آن که بنوازد
 اگر احتمال دارد به قیامت اتصالی

۱۳- مفهوم کدام بیت، با سایر ابیات تفاوت دارد؟

(سراسری هنر - ۹۸)

هر که از آتش دل سوزد و پیدا نکند
آن کسی آسان رود کاین شیشه در بارش نباشد
سرچشمه خورشید را نتوان به خاک انباشتن
گنجی است نهان گشته ز ویرانه طلب کن

- ۱) عاقبت دود دلش فاش کند از روزن
- ۲) عشق و مستوری ز هم دورند و راه پاک‌بازی
- ۳) عشقت به قول مدعی پنهان نشاید داشتن
- ۴) سرسخن عشق تو در سینه «سلمان»

۱۴- کدام بیت، با سایر ابیات، تناسب مفهومی ندارد؟

(سراسری هنر - ۹۸)

کانون من سینه من سودای من آذر من
چون همی سوزد جهان از وی معطر می‌شود
می‌کند خورشید عالمتاب رنگین سنگ را
تا بر آتش نهنی بوی نیاید ز عبیر

- ۱) می‌سوزم از اشتیاق در آتشم از فراق
- ۲) قول مطبوع از درون سوزناک آید که عود
- ۳) غوطه در خون می‌دهد دل را فروغ داغ عشق
- ۴) این حدیث از سر دردی است که من می‌گویم

۱۵- مفهوم کدام ابیات، یکسان است؟

(سراسری هنر - ۹۸)

پاک شو اول و پس دیده بر آن پاک انداز
که سرایای وجود تو مطهر گردد
دعای اهل دلت باد مونس دل پاک
دیده حق‌بین کن و آن‌گاه به حق بنگر

- الف) غسل در اشک زدم که اهل طریقت گویند
- ب) پاکی آموز به چشم و دل خود گر خواهی
- ج) به راه میکده حافظ خوش از جهان رفتی
- د) مردم پاک شو آن‌گاه به پاکی بین

(۳ الف، د، ج، ۴)

(۱ الف، ب، ج، ۲)

۱۶- مفهوم کدام بیت، با بقیه متفاوت است؟

(سراسری زبان - ۹۸، با تغییر)

مگر ریختی شوق در کام من
که پنهان شوق مذکوری ندارد
چون کبوتر بال و پر از پا برون می‌آورد
نه غم هجران و نه شوق وصال

- ۱) ز آرامی افتاده آرام من
- ۲) چه ذوق از ذکر پیدا آید او را
- ۳) نامه شوق مرا هر کس گذارد در بغل
- ۴) خیره نکرده است دلم را چنین

(سراسری زبان - ۹۸)

۱۷- مفهوم «بی‌تعلقی و عدم وابستگی» از همه ابیات دریافت می‌شود؛ به جز:

هر چه جز همت گدایی از دل‌ها کنند
فلک چو سبزه خوابیده، پی سپر گردد
دست در یک کاسه با خورشید چون عیسی کنند
رو به دنیا کردگان گر پشت بر دنیا کنند

- ۱) آبروی خود به خاک تیره یکسان کرده‌اند
- ۲) به زیر پای کسی کز سر جهان خیزد
- ۳) پاک اگر شویند دست از چرک دنیا خاکیان
- ۴) آنچه می‌خواهند از دنیا به ایشان رو نهد

(سراسری ریاضی - ۹۸)

۱۸- در همه ابیات به عدم تعلق و وابستگی سفارش شده است؛ به جز:

کز شب روی و بندگی، زهره حریف ماه شد
این نادره ایمان نگر، که ایمان در او گمراه شد
بی‌رنگ نیک و رنگ بد، توحید و یک تویی بود
زیرا بقا و خرمی زان سوی شش سوی بود

- ۱) گر بو بری زان روشنی، آتش به خواب اندر زنی
- ۲) تن را بدیدی جان نگر، گوهر بدیدی کان نگر
- ۳) خود را بیفشان چون شجر، از برگ خشک و برگ تر
- ۴) یک سو رو از گرداب تن، پیش از دم غرقه شدن

(خارج از کشور - ۹۸)

۱۹- مفهوم همه ابیات یکسان است؛ به جز:

دولت خورشید را دارد به پا افتادگی
ما سبک مغزان کجاییم و کجا افتادگی
هر که گیرد همچو شبم از هوا افتادگی
خوش بود چون سایه از بال هما افتادگی

- ۱) سرفرازی را نباشد جنگ با افتادگی
- ۲) رفت در بیهوده‌گری عمر ما چون گردباد
- ۳) از عزیزی می‌گذارد پا به چشم آفتاب
- ۴) از تواضع دولت افزایش سعادت‌مند را

۲۰- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات، تفاوت دارد؟

(سراسری زبان - ۹۸)

- ۱) چون آفتاب اگر سر ما بگذرد ز چرخ
- ۲) به دستگیری افلاک احتیاجی نیست
- ۳) باشد نشان پختگی افتادگی کلیم
- ۴) گوهر افتاده‌ام در نظر غافلان

- افتادگی برون نرود از سرشت ما
- کلیم وقتم و افتادگی عصای من است
- آن میوه نارس است که بر دار مانده است
- هر که ز راهی رسد بر سر من پا نهد

۲۱- در همه ابیات، شاعر تواضع و فروتنی را امری پسندیده می‌داند؛ به جز:

(سراسری تجربی - ۹۸)

- ۱) تواضع مـرد را دارد گرامی
- ۲) تواضع بود با بزرگان ادب
- ۳) اگر زیر دستی بیفتد رواست
- ۴) نیامیزند با هم مردمان از نخوت دولت

- ز کبر آید بدی در نیک نامی
- بود با فرومایگان مسکنت
- زیر دست افتاده مرد خداست
- پس از افتادگی از هم جدایی نیست یاران را

(سراسری زبان - ۹۸)

- الف) به آسمان نرسد هر که خاک پای تو نیست
- ب) رهرو منزل عشقیم و ز سرحد عدم
- ج) گفתי ز خاک بیشترند اهل عشق من
- د) پستی دلیل قرب بود در طریق عشق

- فرو رود به زمین هر که در هوای تو نیست
- تا به اقلیم وجود این همه راه آمده‌ایم
- از خاک بیشتر نه، که از خاک کمتریم
- این‌جا پیاده پیش بود از سواره‌ها

۲۲- مفهوم کلی کدام ابیات، یکسان است؟

- ۱) الف، ب ۲) ب، ج ۳) الف، د ۴) ب، د

(خارج از کشور انسانی - ۹۸)

- «ز رخسارش فرو می‌ریخت اشکی
- ۱) زندگانی نتوان گفت حیاتی که مراست
 - ۲) دل بر جهان منه که جهان را ثبات نیست
 - ۳) دل من بی‌تو جهانی است پُر از فتنه و شور
 - ۴) چو صبح، هم نفسِ مهر آفتابی باش

- بنای زندگی بر آب می‌دید»
- زنده آن است که با دوست وصالی دارد
- تکیه مکن بر او و بهش باش زینهار
- بده آن باده نوشین که جهان بر باد است
- مزن به هرزه، نفس زان که زندگی نفسی است

(سراسری انسانی - ۹۸)

۲۳- مفهوم همه ابیات یکسان است؛ به جز:

- ۱) صبر کن ای دل که آخر رنج تو هم بگذرد
- ۲) دامن شادی چو غم آسان نمی‌آید به دست
- ۳) شاد و بی‌غم بزی که شادی و غم
- ۴) به عیش کوش و مپندار همچو نا اهلان

- دولت و محنت نماند شادی و غم بگذرد
- پسته را خون می‌شود دل تا لبی خندان کند
- زود آیند و زود می‌گذرند
- که عمر را عوض و وقت را قضایی هست

(سراسری هنر - ۹۸)

۲۴- بیت زیر با کدام بیت، قرابت مفهومی دارد؟

- «شاد و بی‌غم بزی که شادی و غم
- ۱) شاد باش و فارغ و ایمن که من
 - ۲) تا غمت آمده از خانه دل جان رفته است
 - ۳) روزگار غصه و دوران آمده درگذشت
 - ۴) به صلح و جنگ جهان هیچ اعتماد مکن

- زود آیند و زود می‌گذرند»
- آن کنم با تو که باران با چمن
- روزگاری است که این آمده و آن رفته است
- نوبت دل شادی است امروز «سلمان» غم مخور
- که صلح او همه هزل است و جنگ او باد است

۲۶- مفهوم بیت زیر از همه ابیات دریافت می‌شود؛ به جز:

(سراسری هنر - ۹۸)

پس از خلیفه بخواهد گذشت در بغداد»
دل نبندد هوشیار اندر سرای رهگذر
نشاید گر بیبوند دل اندر خدمت سلطان
که تا بر هم نهی دیده نه این بینی نه آن بینی
از این زمانه دون برگذر که در گذر است

«به آنچه می‌گذرد دل منه که دجله بسی
(۱) رهگذار است این جهان یارا بدو در، دل مبند
(۲) هر آن عاقل که او بندد دل اندر طاعت یزدان
(۳) چه دل بندی در این دنیا ایا خاقانی خاکی
(۴) زمانه گذران بس حقیر و مختصر است

۲۷- بیت زیر با کدام بیت، قرابت مفهومی دارد؟

(خارج از کشور - ۹۸)

گهی پشت زین و گهی زین به پشت»
وان سر وصل تو دارد که ندارد غم جانش
خوش نیست برای هیچ ناخوش بودن
آن که بود شاد به عالم کم است
شادی آید ز پی غصه و خیر از پی شر

«چنین است رسم سرای درشت
(۱) آن پی مهر تو گیرد که نگیرد غم خویشش
(۲) ما هیچ و جهان هیچ و غم و شادی هیچ
(۳) شادی عالم چو سراسر غم است
(۴) غم مخور زان که به یک حال نمانده است

۲۸- بیت زیر با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

(سراسری ریاضی - ۹۸)

دیوار زندگی را زین گونه یادگاران»
نقشی که آن نمی‌رود از دل نشان توست
بست چندین صورت و صورت نیست این آرزو
از ساختن نقش دگر وا پرداخت
نقش در آینه آخر چه قدر خواهد ماند؟

«پیش از من و تو بسیار بودند و نقش بستند
(۱) بسیار در دل آمد از اندیشه‌ها و رفت
(۲) کرد تصویر تو را صورتگر چین آرزو
(۳) نقاش ازل نقش بدیعت چو بساخت
(۴) این جهان آینه و هستی ما نقش و نگار

۲۹- کدام بیت، فاقد مفهوم بیت زیر است؟

(سراسری زبان - ۹۸)

که جای نیک و بد است این سرای پاک و پلید»
آرزوی نوش اگر داری منال از زخم نیش
چون خنده‌ای دهد روی، لب را گزید باید
این زهر را به جبهه واکرده نوش کن
که وقت چیدن گل باغبان شود پیدا

«در این مقام طرب بی تعب نخواهد دید
(۱) نوش عشرت نیست «وحشی» در جهان بی نیش
(۲) نوش دکان هستی آمیخته است با نیش
(۳) از روی تلخ توست چنین مرگ ناگوار
(۴) ز هم جدا نبود نوش و نیش این گلشن

۳۰- همه ابیات با سروده زیر قرابت مفهومی دارد؛ به جز:

(سراسری انسانی - ۹۸)

«گریه کنی اگر که آفتاب را ندیده‌ای / ستاره‌ها را هم نمی‌بینی»

(۱) چو دی رفت و فردا نیامد به دست
(۲) بسی تیر و دی ماه و اردی بهشت
(۳) اگر سختی ببری، ور کام‌جویی
(۴) گلستان که امروز باشد به بار

۳۱- با توجه به ضرب‌المثل «از ماست که بر ماست» مفهوم کدام بیت، متفاوت با سایر ابیات است؟ (سراسری تجربی، ۹۸)

کرد ما را پایبند و خود شدیم آخر شکار
چاه راهی است کتابی که تو می‌خوانی
این خشک رود، چشمه حیوان نمی‌شود
ز شاخ بید نچیده است هیچ کس بادام

(۱) دام تزویری که گسترده‌ایم بهر صید خلق
(۲) دود آهی است بنایی که تو می‌سازی
(۳) کشت دروغ بار حقیقت نمی‌دهد
(۴) ز تخم تلخ نخورده است کس بر شیرین

۳۲- مفهوم کلی کدام ابیات یکسان است؟

(سراسری ریاضی - ۹۸)

نه هر آن شاخه که بر رُست صنوبر گردد
 آنت برسد به موسم خرمن
 هر که چَه کند درافتاد به چاه اندر
 که مُفلس ندارد ز سلطان هراس

(الف) نه هر آن غنچه که بشکفت گل سرخ شود
 (ب) هنگام زراعت آنچه کشتستی [کشته‌ای]
 (ج) هر که آزار روا داشت شد آزرده
 (د) عمل گر دهی مرد منعم، شناس

(۴) ج، د

(۳) ب، ج

(۲) الف، د

(۱) الف، ب

(سراسری هنر - ۹۸)

زخم از کسی خوریم که رنجش شفای ماست
 پَر است که آفت جان عقاب می‌گردد
 مباش ایمن که روز و شب تو را در خانه اعدايند
 هیچ شک نیست که هر چیز که بر ماست ز ماست

۳۳- مفهوم کدام بیت، با سایر ابیات تفاوت دارد؟

(۱) رنج از کسی بریم که دردش دوای ماست
 (۲) دل است کاین همه خونم ز دیده می‌بارد
 (۳) بدی کان بر تو می‌آید ز چشم است و زبان و دل
 (۴) آب، خاشاک چو بر خاطر خود دید چه گفت

(سراسری انسانی - ۹۸)

بیگانه نکرد آن چه دل خویش به من کرد
 اوّل بلا به مرغ بلند آشیان رسد
 ز خود بایدش گریه کردن نه خس
 به فرجام، بد با تن خود کند

۳۴- مفهوم همه ابیات یکسان است؛ به جز:

(۱) از دوستی‌ام سوخت دل خویش به صد داغ
 (۲) گاهی که سنگ حادثه از آسمان رسد
 (۳) چو خس را درافکنند در دیده کس
 (۴) هر آن کس که اندیشه بد کند

(سراسری انسانی - ۹۸)

نیمی سوی خود می‌کش و نیمی می‌پاش
 تو گر گنج داری ببخش و منه
 وز اندازه خورد بیرون بود
 بر او ببخش که بخشیدن گناه، خوش است
 کیمیایی است که صد عیب، هنر گرداند

۳۵- کدام بیت، «فاقد» مفهوم بیت زیر است؟

«تعلیم ز آره گیر در امر معاش
 (۱) به گیتی ز بخشش بود مرد، مه
 (۲) مدار و ببخش آن چه افزون بود
 (۳) اگر هزار گنه بینی از سپهر دو رنگ
 (۴) بخل عیبی است که صد فضل بیوشاند و جود

(خارج از کشور - ۹۸)

از ورق گردانی باد خزان غافل مباش
 آشنایان را در ایام پریشانی پرس
 در خزان از بلبلان ای باغبان غافل مباش
 چو بیکاران به ناخن گردن خود را مخر اینجا

۳۶- مفهوم کدام بیت، با دیگر ابیات تفاوت دارد؟

(۱) چون گل رعنا خزان را در قفا دارد بهار
 (۲) شانه می‌آید به کار زلف در آشفتگی
 (۳) وقت بی‌برگی کرم با بینوایان خوش نماست
 (۴) گره تا می‌توانی باز کن از کار محتاجان

(خارج از کشور انسانی - ۹۸)

در تکیه‌گاه خُلد به دولت، سریر توست
 این آب بی قیاس که پنهان به شیر توست
 نقشی گر از بساط جهان دلپذیر توست
 شالی اگر دهی به فقیری حریر توست

۳۷- مفهوم کدام بیت، متفاوت با سایر ابیات است؟

(۱) گر دست سائلی به عصایی گرفته‌ای
 (۲) خواهد رساند خانه عمر تو را به آب
 (۳) تقصیر ساده‌لوحی آینه دل است
 (۴) نقصان نکرده است کس از گذشتگی

(سراسری ریاضی - ۹۸)

«عامل شهری به خلیفه نبشت که دیوار شهر، خراب شده است، آن را عمارت باید کردن. جواب نبشت که شهر را از عدل، دیوار کن؛ که حاجت نیست به گل و خشت و سنگ و گچ.»

۳۸- متن زیر با همه ابیات قرابت مفهومی دارد، به جز:

توانگر بمـانی و از داد شـاد
 که از داد هرگز نشد کس نـگون
 ولـی را پـرور عـدو را بـمال
 ورا راسـتی پاسـبان بـس بـود

(۱) چو خشنود داری جهان را به داد
 (۲) همه داد کن تو به گیتی درون
 (۳) به داد و دهش کوش و نیکی سگال
 (۴) اگر دادگر چند بی‌کس بود

۳۹- مفهوم کلی کدام بیت، متفاوت با سایر ابیات است؟

(سراسری تجربی - ۹۸)

قهر آمد نیست کرد آن شهر را
عقل بخندد جز انتظار چه خیزد
کان به چنین عمر نیاید به دست
عمرم در آرزو شد و در انتظار هم

(۱) منتظر گشتند زخم قهر را
(۲) منتظری تا ز روزگار چه خیزد
(۳) منتظر راحت، نتوان نشست
(۴) بر بوی همدمی که بیایم یگانه رنگ

۴۰- کدام بیت، دربردارنده مفهوم بیت زیر است؟

(سراسری انسانی - ۹۸)

شرط عقل است جستن از درها»
نیست جز گرد کدورت رزق من زین آسیا
کم بود دل های شب بی شمع بالین آسیا
می کند با کاهلان این نکته تلقین آسیا
باشد از ریزش فزون آوازه این آسیا

«رزق هر چند بی گمان برسد
(۱) گر کند آفاق را چون صبح از احسان رو سفید
(۲) سعی در رزق کسان دل را منور می کند
(۳) پی ترده، دامن روزی نمی آید به دست
(۴) پوچ سازد مغزها را چرخ تا روزی دهد

۴۱- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات، تفاوت دارد؟

(سراسری زبان - ۹۸)

که حرص دانه در دام بلا انداخت آدم را
چو قانع شدی سنگ و سیمت یکی است
قانع رهین منت حاتم نمی شود
به طلبی کن که به از به بسی است

(۱) بهشت جاودان خواهی به دل خوردن قناعت کن
(۲) میندار کاین قول معقول نیست
(۳) لب بسته، در محیط، صدف کرد زندگی
(۴) هر که به خس کرد قناعت خسی است

۴۲- مفهوم کلی همه ابیات با یکدیگر تناسب دارند؛ به جز:

(خارج از کشور - ۹۸)

تو خود هم گوهری گر تربیت یابی و هم کانی
چرا تا دست و بازوییت هست از کار وامانی
چو اسب و توشه داری از چه اندر راه حیرانی
چه کاری می توان از پیش بردن با تن آسانی

(۱) چه کوشی بهر یک گوهر به کان تیره هستی
(۲) چرا تا زر و داروییت هست از درد بخروشی
(۳) چو زرع و خوشه داری از چه معنی خوشه چین هستی
(۴) چه زنگی می توان از دل ستردن با سیهرایی

۴۳- مفهوم کلی کدام بیت متناسب با بیت زیر است؟

(سراسری زبان - ۹۸)

هر پاک جامه را نتوان گفت پارساست»

«زنگارهاست در دل آلودگان دهر

در حیرتم که نام تو بازارگان چراست
ای دیده راه دیو ز راه خدا جداست
زان آدمی بترس که با دیو آشناست
گاهی اسیر از و گهی بسته هواست

(۱) بازارگان شدستی و کالات هیچ نیست
(۲) ای دل غرور و حرص، زبونی و سفلگی است
(۳) زان راه بازگرد که از رهروان تهی است
(۴) آزاده کس نگفت تو را تا که خاطرت

۴۴- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات، تفاوت دارد؟

(خارج از کشور انسانی - ۹۸)

گهر بی خریدار نایب درست
غنچه خاموش بلبل را به گفتار آورد
اگر طلب نکنندش بماند اندر کان
دم عیسی است هوای نفس آباد سخن

(۱) سخن را نیوشنده باید نخست
(۲) مستمع صاحب سخن را بر سر کار آورد
(۳) مثال طبع چو کان آمد و سخن گوهر
(۴) به سخن هر که شود زنده نمیرد هرگز

۴۵- در کدام گزینه هر دو بیت، قرابت مفهومی دارند؟

(سراسری هنر - ۹۸)

عشق می گفت به شرح آنچه بر او مشکل بود
به شرح داغ دل، آتشین زبان من است
از خم سرکه، سرکه پالاید
نشوید آب صد دریا از او رنگ

(الف) دل چو از پیر خرد نقل معانی می کرد
(ب) ز دل زبانه آتش که در دهان من است
(ج) فعل آلوده گوهر آلاید
(د) اگر آلوده شد گوهر به یک رنگ

(۴) ج، د

(۱) الف، ب (۲) الف، د (۳) ب، ج

۴۶- کدام بیت با بیت زیر قرابت مفهومی دارد؟

(سراسری انسانی - ۹۸)

- «اگر مستم اگر هشیار اگر خوابم اگر بیدار»
- (۱) در میان دلی و این چه عجب
 - (۲) این وطن مصر و عراق و شام نیست
 - (۳) سعدیا حب وطن گرچه حدیثی است درست
 - (۴) کمند جذبۀ حبالوطن از وادی غربت
- به سوی تو بود روی سجودم میهن ای میهن»
 وطن گنج بود ویرانی
 این وطن جایی است کاو را نام نیست
 نتوان مُرد به سختی که من اینجا زادم
 به دریا همچو سیل خوش خرام آورد مستان را

۴۷- مفهوم آیه «تَعَزَّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُذَلُّ مَنْ تَشَاءُ» از کدام بیت، دریافت می شود؟ (خارج از کشور - ۹۸)

- (۱) خدای، کار چو بر بنده ای فرو بندد
 - (۲) صائب به گناه دو جهان از کرم او
 - (۳) بلند آن سر، که او خواهد بلندش
 - (۴) عزت شاه و گدا زیر زمین یکسان است
- به هر چه رنج برد در دسر بیفزاید
 نومید نگردی که خداوند کریم است
 نژند آن دل، که او خواهد نژندش
 می کند خاک برای همه کس جا خالی

۴۸- کدام بیت، با آیه «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءُ» تناسب مفهومی دارد؟ (خارج از کشور انسانی، ۹۸)

- (۱) دولت جاوید یافت هر که نکونام زیست
 - (۲) جز دل من کز ازل تا به ابد عاشق رفت
 - (۳) شهید عشق توأم ای عزیز دل، یک شب
 - (۴) سفر دراز نباشد به پای طالب دوست
- کز عقبش ذکر خیر زنده کند نام را
 جاودان کس نشنیدم که در این کار بماند
 در آرزوی وصالت مرا کبوتر کن
 که زنده ابد است آدمی که کشته اوست

(سراسری تجربی - ۹۸)

۴۹- مفهوم عبارت زیر، با کدام بیت قرابت دارد؟

«از بیم عقرب جرّاره دموکراسی قرن بیستم، ناچار شده به مار غاشیة حکومت سرهنگ ها پناه برد.»

- (۱) یوسفانم بسته چاه زمینند ار نه من
 - (۲) گر چاه کند که من در آن چاه افتم
 - (۳) در خم زلف تو آویخت دل از چاه زنج
 - (۴) ای که تو از ظلم چاهی می کنی
- چشمه های خون ز رگهای زمین بگشودمی
 آن چاه کننده را همان چاه بس است
 آه کز چاه برون آمد و در دام افتاد
 از برای خویش دامی می تنی

(خارج از کشور انسانی - ۹۸)

۵۰- کدام بیت، با بیت زیر قرابت مفهومی دارد؟

«به حرص ار شربتی خوردم مگیر از من که بد کردم»

- (۱) تشنگان را نماید اندر خواب
 - (۲) چون سگ در تنده، گوشت یافت نپرسد
 - (۳) روز صحرا و سماع است و لب جوی و تماشای
 - (۴) ملحد گرسنه در خانه خالی بر خوان
- همه عالم به چشم چشمه آب
 کاین شتر صالح است یا خر دجال
 در همه شهر دلی نیست که دیگر بریایی
 عقل باور نکند کز رمضان اندیشد

(سراسری زبان - ۹۸)

۵۱- ویژگی حماسه در کدام بیت، متفاوت است؟

- (۱) یکایک بیاراست با دیو جنگ
 - (۲) درفشی درفشان به سر بر، به پای
 - (۳) بدو گفت بهرام شاید بدن
 - (۴) نهادیم بر سر تو را تاج زر
- نبد جنگشان را فراوان درنگ
 یکی پیکرش ببر و دیگر همای
 به نیک و به بد رای باید زدن
 چنان هم که ما یافتیم از پدر

(سراسری ریاضی - ۹۸)

۵۲- ویژگی حماسه در کدام بیت، با سایر ابیات متفاوت است؟

- (۱) چرا رزم جُستی ز اسفندیار
 - (۲) چو ده ساله شد در زمین کس نبود
 - (۳) بر او [ضحاک] سال بگذشت مانا هزار
 - (۴) فرستاد موبد بدان ها سوار
- که او هست رویین تن و نامدار
 که یارست با وی نبرد آزمود
 به فرجام کار آمدش خواستار
 شتر خواست از دشت جهرم هزار

۵۳- مضامین، ابیات، در کدام گروه مشترک است؟

(خارج از کشور - ۹۸)

- (الف) مرا در نهانی یکی دشمن است
 (ب) فریاد ز دست فلک سفله نواز
 (ج) گهر، بی هنر زار و خوار است و سست
 (د) نهان گشت کردار فرزائگان
 (ه) نرگس ز برهنگی سرافکنده به پیش
- که بر بخردان این سخن روشن است
 شهزاده به منت و گدا زاده به ناز
 به فرهنگ باشد روان تندرست
 پراکنده شد نام دیوانگان
 صد پیرهن حریر پوشیده پیاز

(۱) الف، ب، ه (۲) ب، ج، د (۳) ب، د، ه (۴) الف، د، ج

۵۴- کدام بیت، بهانه طاووس برای عدم همراهی با سایر مرغان برای رسیدن به مقصد است؟ (خارج از کشور انسانی، ۹۸)

- (۱) گفت بر من ختم شد اسرار عشق
 (۲) کی بود سیمرغ را پروای من
 (۳) گفت من از شوق دست شهریار
 (۴) چون مرا با آب افتاده است کار
- جمله شب می کنم تکرار عشق
 بس بود فردوس عالی جای من
 چشم بر بستم ز روی روزگار
 از میان آب چون گیرم کنار

۵۵- کدام ابیات، به ترتیب عذر آوردن «باز، بلبل و طاووس» را بازگو می کند؟ (سراسری هنر - ۹۸)

- (الف) عزم آن دارم کزین تاریک جای
 (ب) باز گویم هر زمان رازی دگر
 (ج) من اگر شایسته سلطان شوم
- رهبری باشد به خُلم رهنمای
 در دهم هر ساعت آوازی دگر
 به که در وادی بی پایان شوم

(۱) الف، ب، ج (۲) ب، الف، ج (۳) ج، الف، ب (۴) ج، ب، الف

۵۶- مفهوم عبارت زیر از همه ابیات دریافت می شود؛ به جز:

(سراسری انسانی با تغییر - ۹۸)

- » آن که او را شناسد، دوری او را تحمل نتواند کرد و آن که بدو رو آرد، بدو نتواند رسید»
- (۱) نه سرو نازد چون قامت تو در بستان
 (۲) نه قوتی که توانم کناره جستن ازو
 (۳) نه روی رفتنم از خاک آستانه دوست
 (۴) نه بخت و دولت آنم که با تو بنشینم
- نه ماه تابد چون عارض تو بر گردون
 نه قدرتی که به شوخیش در کنار کشم
 نه احتمال نشستن نه پای رفتارم
 نه صبر و طاقت آنم که از تو درگذرم

۵۷- هر بیت، به ترتیب بیانگر کدام وادی عرفانی است؟ (سراسری انسانی - ۹۸)

- (الف) صد هزاران مرد گم گردد مدام
 (ب) کس در این وادی بجز آتش مباد
 (ج) لیکن از عشقم ندانم آگهی
 (د) گر دو عالم شد همه یک بار نیست
- تا یکی اسرار بین گردد تمام
 وآنکه آتش نیست عیشش خوش مباد
 هم دلی پر عشق دارم هم تهی
 در زمین ریگی همان انگار نیست

(۱) استغنا، حیرت، عشق، فنا (۲) استغنا، طلب، حیرت، معرفت

(۳) معرفت، طلب، عشق، فنا (۴) معرفت، عشق، حیرت، استغنا

۵۸- مفهوم کدام بیت، بیانگر نتیجه حکایت «کبوتر طوق دار» از کلیله و دمنه است؟ (سراسری زبان - ۹۸)

- (۱) دوستی را چو نباشد بنیاد
 (۲) ز دشمن مدار ایمنی جز به دوست
 (۳) دوستان به که ز من یاد کنند
 (۴) چنان به دام تو الفت گرفت مرغ دلم
- حزم را بایدم از دست نداد
 که بر دشمنت چیرگی هم بدوست
 دل بی دوست دلی غمگین است
 که یاد می نکند عهد آشیان ای دوست

۵۹- ابیات زیر، مصداق کدام ضرب‌المثل است؟

(خارج از کشورانسانی - ۹۸)

«مگسی گفت عنکبوتی را که این چه ساق است و ساعد باریک
گفت اگر در کمند من افتی پیش چشمت جهان کنم تاریک»

(۱) حال هر کس موافقِ قال است (۲) درشتی ز کس نشنود نرم گوی

(۳) دشمن نتوان حقیر و بیچاره شمرد (۴) دشمن چه کند چو مهربان باشد دوست

۶۰- مفاهیم «غبطه خوردن بر عاشق، پذیرفتن سختی عشق، فراغت به واسطهٔ عشق، توکل» به ترتیب، از کدام ابیات دریافت می‌شود؟

(سراسری ریاضی - ۹۸)

(الف) این که از لغزش مستانه نمی‌اندیشد
(ب) سمندر سالم از آتش برآید
(ج) ای که با زلف و رخ یار گذاری شب و روز
(د) بند همه غم‌های جهان بر دل من بود

(۱) د، ج، الف، ب (۲) د، ب، ج، الف (۳) ج، ب، د، الف (۴) ج، د، الف، ب

۶۱- مفاهیم «اغتنام فرصت، تلاش، توصیه به خویشتن‌داری، مذمت نفس‌پرستی» در کدام ابیات، به ترتیب، وجود دارد؟

(سراسری انسانی - ۹۸)

(الف) اگر بر خرد چیره گردد هوا
(ب) که اندر جهان سود بی‌رنج نیست
(ج) هنر با خرد در دل مرد تُند
(د) چو کاهل شود مرد، هنگام کار
نخواهد به دیوانگی بر گوا
هم آن را که کاهل بود گنج نیست
چو تیغی که گردد ز زنگار کند
از آن پس نیاید چنان روزگار

(۱) د، ب، ج، الف (۲) ب، ج، د، الف (۳) الف، ب، ج، د (۴) د، الف، ج، ب

۶۲- مفهوم نوشته شده در مقابل کدام بیت، درست است؟

(سراسری تجربی - ۹۸)

(۱) بد ز بدگوه‌ران پدید آید
(۲) نه دهانی است که در وهم سخندان آید
(۳) عشق برداشت ز کوچک‌دلی از خاک مرا
(۴) فلک چو دید سرم را اسیر چنبر عشق
هر کسی آن کند کزو شاید (تأثیر هم‌نشین)
مگر اندر سخن آیی و بداند که لب است (ارزش خاموشی)
ورنه ویرانهٔ من قابل تعمیر نبود (آفرینش انسان از عشق)
ببست گردن صبرم به ریسمان فراق (ناشکیبایی)

پاسخنامهٔ کلیدی:

۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۴	۲	۱	۳	۲	۴	۲	۲	۱	۴	۳	۱	۴	۳	۳	۴	۲	۱	۲	۱	۱	۴	۲	۱	۳
۵۰	۴۹	۴۸	۴۷	۴۶	۴۵	۴۴	۴۳	۴۲	۴۱	۴۰	۳۹	۳۸	۳۷	۳۶	۳۵	۳۴	۳۳	۳۲	۳۱	۳۰	۲۹	۲۸	۲۷	۲۶
۴	۳	۴	۳	۴	۳	۴	۱	۴	۴	۳	۱	۴	۳	۱	۳	۲	۱	۳	۲	۲	۳	۴	۴	۲

شماره سؤال	مفهوم عبارت سؤال و ابیات مرتبط
۲۰۱	ترک خود، شرط وصال است، فناشدن و ازبین بردن صفات بشری در خود با حضور معشوق یا درک اسرار معرفت
۴ و ۳	جان بازی و جان فشانی لازمه عشق و عاشقی است.
۵	عشق رسیدن به معشوق، سختی های مسیر را آسان و تحمل پذیر می کند.
۷ و ۶	عاشق فقط محرم اسرار عشق است.
۸	عشق از روز ازل در دل ویران جا دارد و با سلامتی و راحتی سازگاری ندارد.
۹	تقابل عقل و عشق / ناتوانی عقل در حل مشکلات
۱۰	فراق و وداع یار به قدری دشوار است که کوه را به فریاد و ناله در می آورد.
۱۱	هر چه در عالم وجود دارد، در دل انسان نهفته است / انسان، عصاره و چکیده همه عالم است.
۱۲	امید وصال، باعث زنده ماندن عاشق است.
۱۳	عشق، پنهان کردنی نیست.
۱۴	سوختن و تحمل رنج و سختی باعث رسیدن به کمال است.
۱۵	برای دیدن حق، اول باید پاک شوی
۱۶	شوق، حرکت آفرین است
۱۸ و ۱۷	ترک وابستگی های مادی
۱۹ تا ۲۲	فروتنی و تواضع، امری پسندیده است و نشانه کمال و پختگی است.
۲۳ تا ۲۸	ناپایداری زندگی و دنیا
۲۹	آمیختگی شادی و غم دنیا
۳۰	دم غنیمت شمردن، لذت بردن از حال و قدر لحظات را دانستن
۳۱ تا ۳۴	هر کار خوب یا بدی کنیم، نتیجه اش به خود ما بر می گردد / هر بلایی نصیب ما شود، خود مقصریم.
۳۵ و ۳۶	دعوت به بخشش و بخشندگی / نیکو کاری و احسان
۳۷	هر کاری (خوب یا بد)، نتیجه ای متناسب با خود دارد.
۳۸	توصیه به عدل ورزی و گسترش عدل و داد
۳۹	انتظار، بیهوده است و نتیجه ای ندارد.
۴۰	روزی مقدر است ولی تلاش برای آن شرط عقل است.
۴۱	دعوت به قناعت
۴۲	وقتی خودت همه چیز داری چرا از دیگران آن را می خواهی؟

شماره سؤال	مفهوم عبارت سؤال و ابیات مرتبط
۴۳	ظاهر خوب ، دلیل پاکی درون نیست.
۴۴	وجود شنونده خوب و خریدار سخن ، باعث می شود که سخنران بتواند در ایراد سخن موفق باشد.
۴۵	ظاهر، نشان دهنده باطن است.
۴۶	دعوت به وطن پرستی / عشق به وطن ، آدمی را از غربت به سوی وطن می کشاند.
۴۷	عزت و ذلت دست خداست.
۴۸	کشته شدگان در راه حق، زندگان جاویدند
۴۹	از ترس بدتر به بد پناه بردن
۵۰	در صورت فراهم شدن زمینه انجام گناه ، خطا صورت می گیرد.
۵۱ و ۵۲	ویژگی های حماسه (خرق عادت ، قومی و ملی و ...)
۵۳	تسلط بدی ها بر خوبی ها / رواج یافتن خواست افراد بی خرد / دگرگون شدن ارزش ها
۵۴ و ۵۵	بهانه طاووس (اقامت در بهشت)، باز (جا گرفتن روی دست پادشاه)، بلبل (آواز خوانی و عشق ورزی به گل)
۵۶	عاشق نه تحمل دوری معشوق دارد و نه امکان وصال.
۵۸	اتحاد و دوستی افراد ، رمز پیروزی آنان بر دشمن است.